مترو سواری به وقت کرونا

صندلی ممنوع

وزیر اسبق آموزش و پرورش در گفت‌وگو با «ایران»:

مدرسه دیجیتال سناریویی برای عبور از بحران کرونا

هدی هاشمی
خبرنگار

کرونا برای سیستم سنتی آموزش کشور یک فرصت است. این جمله بسیاری از کارشناسان تعلیم و تربیت است. همان‌هایی که معتقدند کرونا دنیای آموزش سنتی، کهنه و فرسوده ایران را برای همیشه تغییر می‌دهد چراکه در این ماه‌ها همین میهمان ناخوانده توانست مسئولان آموزشی کشور را مجبور کند تا نسخه‌های آموزش‌های مجازی را جایگزین آموزش‌های سنتی کنند و حالا تدریس مجازی بتدریج در نظام آموزشی ایران جا باز کرده است. دستاوردی که به گفته دکتر فخرالدین احمدی دانش آشتیانی وزیر اسبق آموزش و پرورش یک تغییر نگرش ناگهانی در معلمان و مسئولان کشور به وجود آورد که می‌توان از آن برای پیشرفت آموزش کمک گرفت. با دکتر دانش آشتیانی درباره چالش‌های نظام آموزشی در آینده و راهکارها و سناریوهای آموزش در دوران بحران کرونا، جایگزینی سیستم آنلاین به جای کلاس‌های حضوری دانش‌آموزان و.. گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که می‌خوانید:

■ چند ماهی است که زندگی مردم تحت تأثیر ویروس کرونا قرار گرفته و البته به خاطر وجود همین ویروس تمام قواعد و برنامه‌های سیاست کلان آموزشی هم تغییر کرده است تا جایی که آموزش‌وپرورش مجبور شده نظام آموزش مجازی را برای ادامه سال تحصیلی دانش‌آموزان اجرایی کند؛ به نظر شما با وجود ماندگاری ویروس کرونا نظام آموزشی ما چه تغییراتی خواهد کرد؟

قبل از اینکه وارد بحث شوم باید بگویم بارها و بارها درباره استفاده از فناوری‌های جدید برای آموزش دانش‌آموزان صحبت کردیم و البته مدل‌های مختلفی را هم پیشنهاد دادیم و گفتیم که می‌شود از تجربیاتی که در دنیا وجود دارد هم استفاده کرد. اما برای کسی این موضوع اهمیتی نداشت تا اینکه کرونا آمد و این فرصت را به نظام آموزشی داد تا مدارس آموزش‌های مجازی را در دستور کار قرار دهند. درحقیقت نظام آموزشی وارد فضای جدیدی شد که تا قبل از آن هیچ تجربه‌ای از این مدل آموزش وجود نداشت. می‌خواهم بگویم که کرونا مسئولان ما را مجبور کرد تا از آموزش مجازی بهره‌مند شوند و این آموزش را در دستور کار خودشان قرار دهند. با این همه ورود به آموزش مجازی با مشکلاتی هم همراه بود نظام آموزشی آمادگی لازم را برای این تغییرات نداشت. چرا که معلمان و استادان دانشگاهی هیچ‌گاه از فضای مجازی برای آموزش‌ها استفاده نکرده بودند. همین طور زیرساخت‌های لازم برای آموزش‌های مجازی در کشور وجود نداشت و دانش‌آموزان و دانشجویان نمی‌دانستند چطور از این فضا استفاده کنند. معلمان مدارس از نظر تدریس محتوای درسی دچار مشکلاتی شدند و آنها اصلاً با پلتفرم‌های آموزش مجازی آشنایی نداشتند. این اتفاق برای دانش‌آموزان هم افتاد؛ دانش‌آموزان با اینکه با فضای مجازی آشنا بودند اما نمی‌دانستند که چگونه باید درس را در این فضا یاد بگیرند و در کنار همه مشکلات باید به خانواده‌ها هم اشاره کنم که استرس درس و مشق فرزندانشان را داشتند. این موضوعات هم مشکلاتی را برای مجموعه نظام تعلیم و تربیت ایجاد کرد. البته لازم است تأکید کنم این فقط مشکل نظام آموزشی ایران نبود در مطالعاتی که داشتم به این نتیجه رسیدم که سایر کشورها هم این مشکلات را داشتند. مثلاً امریکا با آن نظام آموزشی برای تدریس آنلاین چالش‌های بسیاری داشت. با این حال زمانی که مشخص شد که کرونا ماندنی است و ما باید چند ماهی با این وضعیت زندگی کنیم مسئولان آموزشی خودشان را با این شرایط تطبیق دادند و از این موضوع به‌عنوان یک فرصت استفاده کردند. تمام معلمان و استادان دانشگاه به آموزش مجازی ورود کردند. مدل‌های سنتی آموزش را شکستند و وارد فضای جدید شدند. معلمان قابلیت‌ها و توانمندی‌های خود را مطرح کردند چرا که تا قبل از کرونا هیچ‌کس اهمیت و اعتقادی به آموزش آنلاین نمی‌داد. اما بعد از این آموزش‌ها همه فهمیدند که از این فضا هم می‌توان کمک گرفت و البته یادگیری در این فضا بسیار بهتر از فضای سنتی است. در حقیقت یک تغییر نگرش ناگهانی در معلمان و استادان و مسئولان به‌وجود آمد که این تغییر نگرش حالا برای بسیاری با ارزش است.

■ خب اگر شما بخواهید این سه ماه آموزشی گذشته را بررسی کنید فکر می‌کنید چقدر آموزش و پرورش در آموزش‌های از راه دور موفق بوده است؟

در کل سیستم برنامه‌ریزی برای شرایط بحرانی به‌دلیل عدم آمادگی آموزش‌وپرورش با مشکلاتی روبه‌رو بود. البته معلمان به‌طور خودجوش خودشان بسیار تلاش کردند. آنها در استان‌های کوچک و روستاها خلاقیت زیادی داشتند و ما هم این خلاقیت‌ها را دیدیم. معلمان اگرچه در ابتدا با مشکلات بسیاری روبه‌رو شدند اما توانستند راهکارهایی را پیدا کنند و خودشان را با این سیستم تطبیق دهند. به‌نظرم در آموزش مجازی مشکل دیگر عدم آشنایی دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان با این سیستم بود. آنها آشنایی لازم را با این مدل آموزشی نداشتند و نمی‌دانستند که چگونه باید با این روش آموزشی مواجه شوند. با این همه فکر می‌کنم ما می‌توانستیم در آموزش وپرورش خیلی بهتر از این عمل کنیم. مسئولان آموزش‌وپرورش باید پیش‌بینی و برنامه‌ریزی درباره این مدل آموزش‌ها را از قبل انجام می‌دادند. آنها باید برای شرایط بحران هم نسخه‌های آموزشی ویژه داشته باشند. سیستم آموزشی در همان ابتدای کار که شرایط بحرانی بود یک نظام متمرکز را برای دانش‌آموزان برنامه‌ریزی کرد. دسترسی به شبکه‌ای که در آن شرایط ویژه خیلی از خانواده‌ها را به دردسر انداخت. خانواده‌ها از یک طرف نگران سلامتی‌شان بودند و از طرف دیگر باید وسایل آموزشی فرزندانشان را فراهم می‌کردند. اصلاً ضرورت نداشت که آموزش‌وپرورش در ابتدای کار، شبکه‌ای سراسری راه‌اندازی کند. من مخالف این نیستم که در آینده چنین شبکه‌ای طراحی و استفاده شود اما در این مقطعی که زمان از دست می‌رفت باید به‌فکر روش‌های جدید آموزشی بودیم. تمام وقت و انرژی مسئولان آموزشی صرف سیستم شاد شد و اصلاً مشکلات دانش‌آموزان برخی از مناطق را فراموش کردند.

■ خب مسئولان آموزش‌وپرورش چطور می‌توانستند آموزش را ادامه دهند و اساساً باید چه سناریوهایی را برای ادامه آموزش داشته باشند؟

ما یک مسأله در آموزش و پرورش داریم و آن هم مدیریت متمرکز است. همین مدیریت هم باعث شده که همه برنامه‌ها از بالا به پایین باشد. اجرای مدیریت متمرکز جوابگوی سیستم آموزشی ما نیست بویژه در زمان بحران این برنامه‌ها اصلاً امکان پذیر نیست. علتش هم این است که در مناطق مختلف شرایط دانش‌آموزان متفاوت است. دانش‌آموز ما در تهران یا اصفهان شرایط متفاوت تری نسبت به دانش‌آموزی دارد که در سیستان و بلوچستان یا ایلام زندگی می‌کند. حتی امکانات آموزشی در استان‌ها متفاوت است ممکن است ما ظرفیتی در تهران داشته باشیم اما در سیستان این ظرفیت وجود نداشته باشد. مسئولان نمی‌توانند به‌صورت متمرکز همه نقاط کشور را در نظر بگیرند و برای همه کشور برنامه‌ریزی متمرکز داشته باشند. من از مسئولان آموزشی می‌خواهم که در دوران پسا کرونا نگرششان را نسبت به‌مدیریت متمرکز در آموزش‌وپرورش تغییر دهند. باید به‌سمت اختیار دادن به استان‌ها حرکت کنیم و استان‌ها هم به مناطق این اختیار را بدهند که معلمان و مدیران خودشان برای دانش‌آموزان برنامه‌ریزی داشته باشند. البته سیاست‌های کلی را آموزش‌وپرورش می‌تواند در نظر بگیرید اما لازم نیست و البته لازم نبود که در آن شرایط بحرانی یک پلتفرمی را درست کنند و همه معلمان و دانش‌آموزان را مجبور کنند که وارد آن شوند. خیلی از معلمان و دانش‌آموزان به‌خاطر بخشنامه‌های آموزش‌وپرورش عضو این شبکه شدند اما حالا باید بررسی کنیم که آیا از این فضا استفاده شد. بنده نمی‌خواهم کل تلاش مسئولان را رد کنم اما می‌شد درجای خودش به این مسأله را فراهم می‌کردیم معلمان در داخل همان بستر می‌توانستند فعالیت کنند. الان هم مشکل اینترنت، موبایل و تبلت را داشتند مسئولان به جای اینکه توانشان را برای معرفی این شبکه بگذارند باید برای تجهیز دانش‌آموزان تلاش می‌کردند. از خیرین کمک می‌گرفتند. نگاه خیرین را به‌سمت مناطق محروم می‌بردند. اجازه می‌دادند معلمان خودشان وارد عمل می‌شدند. اگر بستر این مسأله را فراهم می‌کردیم معلمان در داخل همان بستر می‌توانستند فعالیت کنند. الان هم برای آینده یکی از بحث‌های مهمی که وجود دارد همین است که یک بسیج عمومی باید برای مناطق خاص ایجاد کنیم. اگر آموزش‌وپرورش ظرفیت مالی ندارد و دولت هم امکانات مالی را به‌دلایل مختلف ندارد مسئولان باید از ظرفیت خیرین استفاده کنند و دانش‌آموزان را مجهز به وسایل آموزشی کنند. مثلاً با مخابرات صحبت کنند که به معلمان و دانش‌آموزان اینترنت رایگان دهند یا از خیرین مدرسه ساز برای تجهیز تبلت و موبایل کمک بگیرند. نهادهای محلی می‌توانند به کمک آموزش‌وپرورش بیایند و از همین حالا کار را برای سال تحصیلی آینده آغاز کنیم.

■ البته آموزش‌وپرورش سناریوهای مختلفی را برای گذر از بحران کرونا نوشته است اما بیشترین تمرکز بر آموزش آنلاین است به نظر شما نظام آموزشی دیجیتال چه الزاماتی باید داشته باشد؟

درباره آموزش از راه دور دو بحث وجود دارد اول اینکه مدرسه مجازی داشته باشیم یا مدرسه دیجیتال. این دو موضوع با هم فرق دارد. بحثی که در مدل مدرسه مجازی داریم این است که هرآنچه را در مدرسه حضوری کار می‌کنیم به فضای مجازی ببریم در واقع کلاس درس و آموزش را در فضای مجازی برگزار کنیم. مفهومش این است که یکسری نرم‌افزارهایی تهیه شود که با استفاده از آن آموزش را انجام دهیم. مدل دیگر مدرسه دیجیتال است. در مدرسه دیجیتال بحث این است که از اول به مدرسه

عکس: علی محمدی / ایران

نگاه دیجیتال داشته باشیم نه اینکه مدرسه بسازیم و بعد به‌فکر تجهیز آن باشیم. مدرسه دیجیتال یک مدل مفهومی برای خود دارد که از نظر برنامه‌ریزی، ساختار و قوانین ومقررات متفاوت از مدرسه سنتی است. مثلاً ما دیگر آموزش را در مدرسه دیجیتال در یک چهار دیواری نمی‌بینیم اما در مدرسه مجازی ذهن‌ها این است که این آموزش در کلاس درس باشد و حالا می‌توانیم در فضای مجازی هم آن را ادامه دهیم. در مدرسه دیجیتال می‌خواهیم از کل ظرفیت جامعه برای آموزش استفاده کنیم در این حالت آموزش در کلاس درس نیست در مدرسه دیجیتال محتوا و برنامه درسی کاملاً متفاوت است. مثلاً دیگر ضرورت ندارد وزارت آموزش‌وپرورش آنقدر تمرکزش را روی کتاب‌های درسی بگذارد و کتاب درسی چاپ کند. این کار هزینه‌های زیادی برای وزارتخانه دارد این نگرش باید درست شود. در مدرسه دیجیتال محتوا فقط محتوای یک کتاب درسی نیست یک محتوای جامع است که از همه امکانات در کل دنیا استفاده می‌شود. اگر در مدرسه مجازی می‌رویم به سراغ همان محتوای کتاب درسی در مدرسه دیجیتال منابع خیلی وسیع‌تر می‌شود. از نظر فضای آموزشی هم استانداردها تغییر می‌کند. شک نکنید در آینده دانشگاه‌ها و مدارس به‌سمت آموزش‌های مجازی سوق داده می‌شوند اگر هنوز به‌دنبال این نگرش و بینش باشیم که برویم یک فضای فیزیکی را در نظر بگیریم اشتباه است در مدرسه دیجیتال از خیلی از فضاها می‌شود به‌عنوان فضای آموزش استفاده کرد نه اینکه محل مدرسه وجود نداشته باشد اما استانداردهایش تفاوت پیدا می‌کند.

■ در این سیستم چطور می‌توان درس خواندن بچه‌ها را نظارت کرد؟

ما در همین نظام کنونی هم برای درس خواندن دانش‌آموزان مشکلاتی داریم و نمی‌توانیم درس خواندنشان را مدیریت کنیم. فکر می‌کنم در مدرسه دیجیتال امکان اینکه دانش‌آموز را مدیریت کنیم بیشتر است. به‌طور مثال، در سیستم آموزشی سنتی به دانش‌آموزان اطلاعاتی درباره موضوعی می‌دهیم و از آنها می‌خواهیم خودشان را برای جلسه بعد آماده کنند. در مدرسه دیجیتال از قبل می‌توانید منبعی را در اختیار کل دانش‌آموز قرار دهید و بگویید این موضوع را مطالعه کند و البته اطلاعاتی را که به‌دست می‌آورد در لحظه به دانش‌آموزان و معلمان دهند. ما می‌توانیم راحت‌تر بررسی کنیم که دانش‌آموزان این منابع را مطالعه کرده‌اند یا خیر.

■ خیلی از خانواده‌ها مقاومت می‌کنند و می‌گویند اگر دانش‌آموز در کلاس حضوری درس را آموزش ببیند موفق‌تر است؟

بله این خودش یک مسأله مهم است. باید در این باره فرهنگ‌سازی کنیم. اولیا احساس می‌کنند اگر فرزندشان در کلاس باشند بهتر یاد می‌گیرند. ما به‌عنوان کارشناس برای خانواده‌ها توضیح ندادیم که چه پتانسیل‌ها و ظرفیت‌هایی در آموزش آنلاین وجود دارد و چقدر دانش‌آموزان می‌توانند در محیط چندرسانه‌ای موفق‌تر عمل کنند. خانواده‌ها تجربه این محیط‌ها را ندارند و حالا این یک فرصت است که باید از آن برای فرهنگ‌سازی اقدام کنیم.

■ شما درباره آموزش‌های مجازی هدفمند و با برنامه صحبت می‌کنید معلمان و دانش‌آموزان می‌دانند که در مدرسه دیجیتال چه می‌خواهند. فکر می‌کنید بتوانیم برنامه‌های اجرای مدرسه دیجیتال را برای سال تحصیلی آینده داشته باشیم این را هم در نظر بگیرید که سیستم فعلی نظام آموزش‌وپرورش چندان مجهز به این آموزش‌ها نیست و دانش‌آموزان هم در همین کلاس‌های مجازی خیلی شرکت نمی‌کردند.

فکر می‌کنم وقتی ذهنمان به‌سمت آموزش مجازی برود و به‌طور جدی به آن ورود کنیم تمام مشکلات حل خواهد شد در نهایت می‌توانیم راهکارهای خوبی هم برای چالش‌هایمان پیدا کنیم. نظام تعلیم و تربیت اگر بخواهد در آموزش مجازی موفق باشد باید از آن حالت متمرکز خودش را خارج کند و البته نکته مهم در این باره «فرهنگ‌سازی» است. از همین حالا باید به فکر آموزش معلمان و دانش‌آموزان باشیم و آنها را مجهز کنیم. این آموزش‌ها اصلاً انجام نشده است و خیلی از معلمان ممکن است ندانند که چقدر فضای مجازی موجب رشد و تقویت کار آنها می‌شود. فکر می‌کنم اگر آموزش از راه دور گسترش پیدا کند کیفیت آموزش هم بیشتر می‌شود. این یک واقعیت است باید برای هرموضوعی برنامه‌ریزی و فرهنگسازی کرد دانش‌آموزان و جوانان ما اهل فضای مجازی هستند آنها بیشتر زمان خود را در همین فضا می‌گذرانند بنابراین فکر می‌کنم نباید نگران آموزش مجازی دانش‌آموزان بود باید به خانواده‌ها آگاهی دهیم که اگر ما از همین طریق بحث یادگیری را جلو ببریم انگیزه دانش‌آموزان برای تحصیل بیشتر می‌شود. اگر شما دست دانش‌آموز را برای تولید محتوا باز بگذارید و به او بگویید که خودت برو یک محتوا تولید کن او با علاقه‌مندی این کار را می‌کند اما اگر در کلاس درس برایش یک چیزی را تهیه کنیم که او براساس متن درسی کاری را انجام دهد ممکن است دانش‌آموز کار کلاس را انجام دهد اما دیگر علاقه‌مندی در کارش وجود نداشته باشد. بر این اساس از نظر من چون دانش‌آموزان ما اهل فضای مجازی و اینترنت هستند اگر آموزش را هم به این فضا بیاوریم بسیار موفق‌تر خواهیم شد.

■ در شرایط فعلی که زیرساخت‌هایش وجود ندارد!

به‌نظرم برای تهیه زیرساخت‌ها مشکلی وجود ندارد. امکان توسعه اینترنت زیاد است آن چیزی که نقطه کلیدی این موضوع محسوب می‌شود مهارت تکنیک‌های استفاده از فضای مجازی برای معلمان است. ما اگر تمرکز پیدا کنیم که معلمان را در همین تابستان آموزش دهیم و اطلاعات و منابع را به‌صورت آنلاین در اختیار آنها قرار دهیم مطمئن باشید جواب می‌گیریم. ببینید ما یک تجربه سه ماه آموزش مجازی در مدارس داریم حیف است که نتوانیم از این فضا استفاده کنیم. یک تغییر بینش و نگرشی در بین مسئولان به وجود آمده. سابق براین ما در آموزش مجازی با چالش‌هایی روبه‌رو بودیم. اگر این تجربه سه ماهه را فراموش کنیم و دوباره برگردیم به مدل‌های سنتی یک فرصت گرانقدری را از دست دادیم.

■ در شرایط فعلی و با وجود کرونا برای سال تحصیلی آینده آموزش‌وپرورش چند سناریو دارد اول اینکه دانش‌آموزان را با فاصله اجتماعی وارد کلاس‌های درس کند و تعداد دانش‌آموزان را در کلاس کم کند و دوم روزهای زوج و فرد را پیشنهاد کرده تا همه پایه‌ها در مدرسه نباشند. به‌نظر شما ما می‌توانیم سال تحصیلی موفقی را با این مدل‌های آموزشی داشته باشیم؟

اگر برنامه‌ریزی کنیم، میزان ساعات حضور دانش‌آموز را کم کنیم شاید بتوانیم از بحران فعلی عبور کنیم. احساس خود من این است که برنامه‌ریزی این کار بسیار سخت است با توجه به امکاناتی که وجود دارد یک برنامه‌ریزی پیچیده‌ای نیاز داریم. دوباره تأکید می‌کنم برای این برنامه هم نباید نگاه متمرکز داشته باشیم. اگر ما بخواهیم مدل متمرکزی برای این کار ببینیم اشتباه است. یک‌سری سیاست کلی می‌توانیم بگذاریم مثلاً بگوییم تراکم کلاس زیاد نباشد، فاصله اجتماعی رعایت شود، پروتکل‌های بهداشتی اجرا شود، سخت‌گیری برای حضور دانش‌آموزان نداشته باشیم و می‌توانیم بگوییم آموزش ترکیبی داشته باشیم که در آن سیستم چرخه یادگیری می‌تواند قسمت‌هایی به‌صورت مجازی ارائه شود و قسمت‌هایی به‌صورت حضوری... این قواعد را مطرح کنیم اما در نهایت اجازه دهیم استان‌ها برنامه‌های خودشان را داشته باشند. مثلاً خیلی از مدارس تراکم زیادی ندارند. در همین دوران کرونا در روستاها معلمان دانش‌آموزان را با فاصله اجتماعی به‌کلاس درس آوردند. چرا حالا یک دستورالعمل قرار دهیم که حتماً سه روز بیایید و سه روز نیایید.

■ برخی از معلمان و مدیران هم نگاه انتقادی به برخی از سیاست‌های وزارت آموزش و پرورش دارند و می‌گویند که بیشتر سیاست‌های وزارتخانه برای دانش‌آموزان کلان شهرها بخصوص تهران است شما این انتقاد را قبول دارید؟

بله همین‌طور است. علت این است که تفکر مدیریت کنترلی و مدیریت عدم اعتماد وجود دارد. باید به معلمان و مدیران مناطق اعتماد کنیم چه ضرورتی دارد که ما قوانین سراسری داشته باشیم. ما می‌خواهیم دانش‌آموز آموزش‌هایی را ببیند برای این آموزش‌ها هم باید معلم راه حل ارائه دهد. اگر ما مدیریت کنترلی داشته باشیم با اشکالات زیادی روبه‌رو می‌شویم. اگر اختیار بدهیم و نگران کنترل این مسأله نباشیم سال تحصیلی راحت‌تری داریم.

■ شما فکر می‌کنید خانواده‌ها اجازه بدهند تا فرزندانشان برای سال تحصیلی بعدی در مدارس حاضر شوند؟

خانواده‌ها باید بدانند که با کرونا باید چند وقتی زندگی کنند. برای همین باید یک برنامه‌ریزی دراز مدت داشته باشیم و از فرصت به‌وجود آمده هم استفاده کنیم. اگر ما برای خانواده‌ها اطلاع‌رسانی کنیم و مدارس را مجهز کنیم. امکانات مدارس را به‌خانواده نشان دهیم. اولیای دانش‌آموز احساس کند که اگر فرزندش را به مدرسه بفرستد سلامتی‌اش حفظ می‌شود و مدارس به سلامتی دانش‌آموزان توجه دارند مطمئن باشید همه خانواده‌ها استقبال می‌کنند اما اگر این کارها را نکنیم و اولیا نگران سلامت فرزندانشان باشند امکان دارد اول مهر هم نتوانیم دانش‌آموز را به‌شکل حضوری داشته باشیم. ما باید یک‌سری آموزش‌ها را به دانش‌آموزان بدهیم که چطور با این ویروس زندگی کنند اما نمی‌توانیم خانواده‌ها را مجبور کنیم که حتماً فرزندانشان را به مدرسه بفرستند. اولیا اگر ببینند که سلامتی دانش‌آموزان حفظ می‌شود خودشان بعد از مدتی دانش‌آموزان را راهی مدرسه می‌کنند.

گزارش

گزارش «ایران» از راهکار کارشناسان حقوقی و اجتماعی درباره پیشگیری از افزایش خشونت علیه زنان

تسریع در اجرایی شدن لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت

مهسا قوی قلب
خبرنگار

در یک هفته اخیر پس از قتل رومینا، اخبار دیگری نیز انتشار یافتند که حکایت از خشونت‌های شدید و گاه منجر به قتل زنان داشتند؛ اخباری که افکار عمومی را جریحه دار کردند، و جامعه‌شناسان و حقوقدانان را بر آن داشتند تا با سرعت عمل بیشتری در خصوص کاهش چنین رفتارهای خشونت‌آمیزی وارد عمل شوند. قتل رومینا، ریحانه عامری، فاطمه برحی و ضرب و شتم یک زن گیلانی به دلیل وجین نکردن محصول کشاورزی توسط شوهر خود، از جمله خشونت‌هایی علیه زنان بوده که واکنش‌های کاربران فضای مجازی را به دنبال داشته است.

پرستو قاسمی منصف، وکیل دادگستری، در خصوص قتل‌های ناموسی جدیدی که اتفاق افتاده‌اند، به «ایران» می‌گوید: یکی از دلایل مهم این قبیل خشونت‌ها می‌تواند نقایصی باشد که در قوانین ما در خصوص زنان وجود دارد. به عبارتی قوانین در حوزه زنان باید اصلاح شوند تا رفتارهای خشونت‌آمیز نسبت به آنان کاهش پیدا کند. قطعاً لایحه منع خشونت علیه زنان نیز می‌تواند در خصوص کاهش این آسیب‌ها مؤثر باشد؛ هرچند نقایصی در این قانون وجود دارد که در این برهه از زمان لازم است در رفع نواقص و تصویب آن تعجیل شود. اگر زن امروز دچار دغدغه‌های خشونت بار روحی و روانی و یا جسمی از طرف مردان باشد، بی‌شک خلل بزرگی به کل جامعه وارد می‌شود.

شهلا کاظمی‌پور، جامعه‌شناس نیز با اشاره به اینکه قتل‌های ناموسی در کشور پدیده تازه‌ای نیست، به «ایران» می‌گوید: به نظر من، قبح چنین رفتارهایی نباید با ارائه آمارها ریخته شود. در این حالت چنانچه شخصی در ذهن خود افکاری در جهت قتل، بپروراند با اطلاع از قتل‌های مشابه، ممکن است، فکر پلید خود را عملی کند، پس بهتر است که این آمارها از طریق رسانه‌های عمومی اعلام نشوند و در مقابل برخوردهای قانونی با چنین رفتارهایی شدیدتر اعمال شود. او در ادامه اضافه می‌کند: در بحث رومینا و قتل‌های مشابه آن که این اواخر اتفاق افتاده، اولین مشکل بحث فرهنگی است. واضح است که جامعه ما در حال گذار است و متأسفانه این دوره‌گذار خیلی طولانی شده، نه می‌توانیم بگوییم جامعه‌ای سنتی هستیم و نه مدرن.

به اعتقاد این جامعه‌شناس، جوان‌ترها به خصوص زنان، شاخص‌های توسعه را با سرعت بیشتری طی می‌کنند و با شرایط و ایده‌های جدید بیشتر از مردان ارتباط برقرار می‌کنند، در مقابل آقایان دیرتر با شاخص‌های توسعه خو می‌گیرند. این امر هم منحصر به باسواد بودن یا بی‌سواد بودن افراد نیست و مسأله‌ای است که پس از سال‌ها مطالعات در این حوزه به اثبات رسیده است. در واقع مردها دیرتر از سنت‌ها فاصله می‌گیرند. متأسفانه جامعه ما دچار دوگانگی فرهنگی شده و سنت و مدرنیته به نوعی با یکدیگر تلفیق شده و گاه در تقابل با یکدیگر هستند. قتل‌های ناموسی بیشتر در جوامع کوچک اتفاق می‌افتد، آنجایی که فشار اقوام و آشنایان در تشدید احساسات مردان در جهت دست زدن به قتل ناموس خود بیشتر از نقاط دیگر کشور است. مسلماً و قطعاً باید با توسعه همه‌جانبه کشور در جهت کاهش این قبیل قتل‌ها گام برداشت. در این خصوص فقر هم نمی‌تواند بی‌تأثیر باشد. باید ساختارهای کلان جامعه اصلاح‌شده و حرکت‌های توسعه‌ای از نظر اقتصادی و فرهنگی افزایش یابد. نمی‌توان وسایل ارتباط جمعی را محدود کرد، بلکه می‌توان به توسعه فرهنگی کشور سرعت عمل بخشید.

معصومه ابتکار، معاون امور زنان و خانواده رئیس‌جمهوری نیز درباره راهکار کاهش قتل‌های ناموسی به «ایران» می‌گوید: بهترین راه حل در جهت کاهش آمار خشونت‌ها علیه زنان، تسریع در اجرایی شدن لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت است. این لایحه در جهت کاهش خشونت‌ها و تأمین امنیت زنان در خانواده و جامعه تدوین شده و تاکنون هم فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته است. او در ادامه می‌افزاید: در سال گذشته، رئیس قوه قضائیه روند تصویب لایحه را تسریع و به دولت بازگشت اما تغییرات زیادی که در آن صورت گرفته مانع ارسال سریع آن از دولت به مجلس شد.

او می‌گوید: در بسیاری از قوانین از جمله در قانون اساسی توجه جدی به موضوع عدالت جنسیتی شده است، اما به لحاظ موضوعی با اهداف متعالی فاصله زیادی داریم. به گفته ابتکار، با تصویب اسناد استانی ارتقای وضعیت زنان و خانواده و آمارها و اطلاعاتی که بر اساس نیاز و شاخص‌های استانی جمع‌آوری شده که از جمله شامل اطلاعات خشونت‌هایی مانند قتل‌های ناموسی یا خانگی می‌شود و می‌توان به کاهش نهادینه آنها کمک کرد.

وی می‌افزاید: این اتفاقات جدید نیست و تاریخی صدها ساله دارد که البته در دهه‌های اخیر به دلایل مختلف از جمله افزایش سطح سواد و آگاهی مردم و خانواده‌ها رو به کاهش است، اما حالا خوشبختانه به دلیل نفوذ رسانه‌ها و بخصوص شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی علنی شده و مانند آنچه در فیلم خانه پدری و در داستانی مربوط به انتهای عصر قاجار دیدیم در پستوی خانه‌ها مثل یک راز پنهان نمی‌ماند.

ابتکار معتقد است: علاوه بر تغییرات در قوانین البته فرهنگ‌سازی و آموزش در سطح مدارس و دانشگاه‌ها نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. خودمراقبتی و ارتقای مهارت‌های عمومی زندگی از جمله مواردی هستند که باید از سنین پایین آموزش داده شوند. همچنین آموزش و ترویج فرهنگ گفت‌وگو در خانواده ۲ سال است که معاونت امور زنان و خانواده با همکاری انجمن جامعه‌شناسی ایران مشغول کار علمی و اجتماعی مرتبط با آن در تمام کشور است.

آگهی مزایده فروش

شرکت تعاونی کارکنان پتروشیمی شازند در نظر دارد یک دستگاه خودروی سواری iX35 مدل ۲۰۱۵ اتوماتیک را از طریق مزایده عمومی به‌فروش رساند. متقاضیان می‌توانند از تاریخ نشر آگهی به‌صورت ۱۰ روز جهت بازدید و ارائه پیشنهاد قیمت در ساعات اداری شنبه تا چهارشنبه به آدرس تهران، ولیعصر، بالاتر از میرداماد، خیابان تابان غربی، پلاک ۶۸ (آقای محمدی) مراجعه نمایند.

شماره تماس جهت بازدید: ۰۹۱۹۵۱۵۵۰۱۲

آگهی مناقصه عمومی سایپا

شرکت سایپا در نظر دارد اجرای عملیات‌های ذیل را به پیمانکاران واجدشرایط واگذار نماید.

۱. ابنیه، تأسیسات برقی و مکانیکی به منظور تکمیل و بازسازی کامل ۸ باب از ویلاهای شهرک نارنجی.

۲. اجرای عملیات ابنیه، تأسیسات برقی و مکانیکی به‌منظور تکمیل و بازسازی کامل ۵ باب از ویلاهای شهرک شالی. متقاضیان می‌توانند جهت دریافت اسناد و مدارک مناقصه صرفاً به سایت اینترنتی www.saipacorp.com، بخش مناقصه‌ها و مزایده‌ها مراجعه نمایند.

معاونت بازرگانی گروه - مدیریت خرید خدمات و ملزومات

یادداشت

بیرون می‌آیید، ماسک بزنید

دکتر مینو محرز
عضو کمیته کشوری ستاد مبارزه با کرونا

آنچه موجب افزایش مبتلایان و سه رقمی شدن آمار مرگ و میر ناشی از بیماری کووید۱۹ در کشور شده است در درجه نخست، بی‌توجهی و عدم رعایت پروتکل‌های بهداشتی از سوی مردم است. مردم می‌گویند خسته شده‌اند، حوصله‌شان سر رفته و به‌خاطر گرمای هوا تحمل پوشیدن ماسک را ندارند.

حال باید از مردم بپرسیم این شرایط فقط مختص جغرافیای ایران است یا اینکه همه مردم جهان در چنین وضعیتی به سر می‌برند؟ پر واضح است تحمل شرایط اینچنینی با گذشت بیش از ۴ ماه از شیوع ویروس کرونا در دنیا اوضاع را برای همه سخت و پیچیده کرده است برای همین همه کشورهای دنیا بحث فاصله‌گذاری فیزیکی را برای پیشگیری از ابتلا به ویروس کرونا راهبرد اصلی‌شان قرار داده‌اند و از مردم درخواست کرده‌اند با رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی به سبک زندگی با کرونا عادت کنند. اما در کشور ما از چند هفته گذشته و همزمان با تغییر رفتار مردم و نادیده گرفتن دستورالعمل‌های ابلاغی از سوی ستاد ملی کرونا، مدام متخصصان این حوزه از بازگشت کرونا و افزایش آمار مرگ و میر و مبتلایان به این ویروس هشدار می‌دادند با این حال مشاهدات ما نشان می‌دهد دیگر کمتر کسی به این هشدارها توجه می‌کند گویا نوعی عادی انگاری بین افراد جامعه شکل گرفته است. مردم تصور می‌کنند ویروس کرونا تمام یا ضعیف شده است از طرفی آمارهایی که از سوی وزارت بهداشت روزانه اعلام می‌شود جدی گرفته نمی‌شود. ما می‌بینیم که مردم همانند روزهای عادی قبل از شیوع کرونا بیرون به رستوران می‌روند. جایی که همه کنار همه نشسته‌اند و طبیعی است که نمی‌توانند هنگام غذا خوردن ماسک بزنند. اتفاقی که می‌افتد انتشار ویروس کرونا در فضا و ابتلا به آن در رستوران‌ها است. می‌خواهم بگویم مردم! چه اتفاقی افتاده است که این همه رستوران سر می‌رود؟ امکان ابتلا به ویروس کرونا در رستوران‌ها زیاد است. ستاد ملی کرونا برای همه اماکن و مشاغل پروتکل بهداشتی نوشته است ولی وقتی اجرا نمی‌شوند چه فایده‌ای دارند؟ تدوین پروتکل‌های بهداشتی باید ضمانت اجرایی داشته باشد و به‌طور مرتب بازرسی شوند. به هر حال افزایش تعداد مبتلایان و موارد فوت در برخی استان‌های قرمز نه تنها جان مردم را نشانه گرفته بلکه هزینه‌های درمان را هم افزایش داده است. پزشکان و پرستاران خسته شده‌اند و نیاز به تجدید قوا دارند. در حال حاضر استان‌هایی که قبلاً با پیک کرونا مواجه نبودند به‌دلیل عدم تجربه در مواجهه با این بحران، مرگ و میرشان زیاد شده است این وضعیت در تهران نیز در حال تکرار است بنابراین با صراحت می‌گویم مردم نقش اول را در پیشگیری از موج بعدی کرونا بازی می‌کنند تأکید می‌کنم اگر حوصله‌تان سر می‌رود در بیرون از خانه ماسک بزنید تا از ابتلای خود و دیگران به ویروس کرونا جلوگیری کنید. باید سختگیری‌های بیشتری در پوشیدن ماسک لحاظ شود و اجازه ندهیم هیچ کسی بدون ماسک سوار مترو یا اتوبوس شود. متأسفانه مردم همه چیز را آسان گرفته‌اند وقتی اعتراض می‌کنیم می‌گویند که ماسک در کیف‌شان است ولی خسته شده‌اند و آن را نمی‌پوشند. خستگی برای نجات جان معنا ندارد این وضعیت درهمه جای دنیا حاکم است باید تحمل کنیم. اگر به اصطلاح همه جا باز شده است جاهایی که خطر دارد، نروید.